فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی هشتم، شماره‌ی ۱، تابستان۹۸، صفحات۱۳۶-۱۰۹

گفتمان نسلی زنان کهن‌سال و جوان در خانواده‌ی ایرانی

انسیه زواره[۱]، عالیه شکربیگی[۲]، تقی آزاد ارمکی[۳]

تاریخ دریافت:۱۳۹۷/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۳

چکیده

در این پژوهش محقق کوشیده به مطالعه‌ی روابط درون خانواده از منظر روابـط میان دو نسل زنان کهن-سال بپردازد تا دریابد که این روابط تابع چه گفتمان‌هایی است و آیا این گفتمان‌ها به هم نزدیک‌اند یا نشانه‌ی مشهودی از فاصله‌ی میان این دو نسل به حساب می‌آیند؟ روش مورد استفاده‌ی محقق، بهره‌گیری از رهیافت کیفی، مبتنی بر روش داده‌بنیاد تحلیل موقعیت با استفاده از مصاحبه‌های روایی بوده است و نمونه‌ی هدفمند، به تعداد ۲۰ مورد از شهروندان زن تهرانی انتخاب گردید. یافته ها نشان داد که روابط میان دو نسـل، در خانواده‌ی ایرانی، همگرا است و در عین تفـاوت گفتمان سنت‌پیشـگی زنان کهـن‌سال و پیش‌روبودن زنان جوان، هر دو در گفتمانی به هم نزدیک می‌شوند که گفتمان نوگرایی است. خانواده در عین تفاوت‌ها، در مسیر تهدید نسلی قرار ندارد و هم‌چنان خانواده، موضوع دارای اهمیت و اولویت نسل‌ها است.

واژه‌های کلیدی: گفتمان نوگرایی سنت‌پیشگی؛ گفتمان نوگرایی پیش‌رو، نسل زنان کهن‌سال؛ نسل زنان جوان.

[۱] دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
zavarehensiehone@yahoo.com

[۲] استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسندهٔ مسؤول).
ashekarbeugister@gmail.com

[۳] استاد، گروه جامعه‌شناسی، دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران. azadarmaki@gmail.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مقدمه و طرح مسأله

دنیای جدید مسایل اجتماعی تازه‌ای را پیش روی محققان قرار داده که متناسب با آن مفاهیم پیشین نیز دچار تحول شده است. خانواده از جمله‌ی این مفاهیم است. پدیدآمدن جامعه‌ی جدید با میل نوجویی، همراه با تغییرات عمده در شیوه‌های زندگی، روابط درون خانواده را دچار دگرگونی اساسی کرده است. در گذشته انجام تغییرات در خانواده فرایندی کند داشت؛ چراکه موقعیت‌های گروه‌های سنی متعدد اختلاف اندکی با هم داشتند. اصل محترم شمردن بزرگ‌ترها به خوبی رعایت می‌شد و رسوم گذشته بدون جهش، به نسل جدید منتقل می‌شد والگوی ثابتی در حوزه‌ی نظر و عمل در میان نسل‌ها به چشم می‌خورد(شفرز،۱۳۹۱:٤٠). با شکل‌گیری شرایط اجتماعی مدرن در پی رشد ناشی از تحولات پس از جنگ جهانی دوم و رشد آگاهی مردم از جامعه‌ی خویش و جوامع دیگر، وجود ظرفیت‌های نهفته در نسل نو، موجب رشد نگرش‌تازه نسبت به نسل جدید گردید(ترکی و احمدی شکوه،۱۳۹۷:۱۰۸).در دو دهه‌ی اخیر،با تغییرات ساختار اجتماعی- فرهنگی جامعه‌ی ایران در نتیجه بهبود شاخص‌هایی هم‌چون صنعتی‌شدن، افزایش میزان شهرنشینی، افزایش میزان تحرک اجتماعی و مهاجرت، جوانی جمعیت، توسعه‌ی شبکه حمل‌ونقل عمومی، توسعه‌ی وسایل ارتباط جمعی و استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی و توسعه‌ی نهادهای اجتماعی جدید مانند آموزش و پرورش و دانش‌گاه، زمینه‌ی مساعدی برای بروز تغییرات در ارزش‌ها و نگرش‌های اقشار جامعه‌ی ایرانی به وجود آورده است. نسل جوان نیازهایی را جست‌وجو می‌کند که متفاوت از نسل قدیم است. این امر ناشی از دگرگون شدن ارزش‌ها به واسطه‌ی تحولاتی بود که تمام ابعاد زندگی را به‌طور بی‌سابقه‌ای تحت تأثیر خود قرارداد و محیطی متفاوت را برای پرورش نسل جدید فراهم کرد؛ درنتیجه نسل جدید، نسلی متفاوت از گذشتگان خویش است. کشورهای درحال‌توسعه از این دگرگونی‌ها در امان نماندند و شکل‌های کم و بیش متفاوتی از آن را تجربه کردند. ایران نیز به مثابه‌ی یکی از کشورهای درحال‌توسعه، ناظر اتفاقات مهمی طی سه دهه‌ی آخر قرن بیستم بوده است. برخی از این تغییرات در حیطه‌ی شناخت و تغییرات ارزشی دو نسل بزرگ‌سال و جوان بوده و پژوهش حاضر نیز عهده‌دار بررسی همین مسأله است. رشد روزافزون گرایش زنان و دختران به رشد آکادمیک از بارزترین تحولات سال‌های اخیر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

در جامعه است. مساله‌ای که خود می‌تواند به تغییر در حوزه‌های مختلف زندگی فردی و حیات اجتماعی زنان بیانجامد و خود نیز در بستری از تجارب پیشین زنان متحول گردد. اندرو هرمان[۱]. می‌گوید که هویت آکادمیک که به عنوان یک فضیلت پیش‌رو بیان می‌شود از دل تلاش برای خلق و ایجاد احساسات معطوف به تجارب گذشته، پدیدار می‌شود(هرمان،۲۰۰۸:۲) تغییرات زمانی چشم‌گیرتر خواهد بود که زنان از منظر تغییرات نسلی، مد نظر باشند. تقی آزاد ارمکی ، معتقد است که در جریان تحول نسلی،نسل جوان به عنوان نیروی کارگزار تحولات در فرایندی تضادی و توافقی با نسل‌های گذشته قرار گرفته و ساختار عمل اجتماعی را تعیین می‌کند. به عبارت دیگر، با اهمیت یافتن جوانان بررسی اجتماعی تحت عنوان "تحولات نسلی" مطرح شده که در آن نسل جوان در کنار میـان‌سالان و پیران طیـفی از رابطه‌های تعاملی تا تزاحمی دارند. این نسل‌ها صورت‌بندی خاصی به جامعه‌ی ایرانی داده‌اند(آزاد ارمکی،۱۳۹۲:۹۶). باید توجه داشت که بررسی خانواده‌ی ایرانی، بدون تعیین موقعیت آن به لحاظ مفهومی امکان‌پذیر نیست. هرچند توصیف خانواده‌ی ایرانی با طرح چگونگی ماهیت خانواده ایرانی مفید است، اما شناسایی دقیق، نگاهی همه‌جانبه نیاز دارد(آزاد ارمکی،۱۳۹۲:۳۶). مفهوم روابط نسلی نیز در این میانه دارای اهمیت ویژه است چراکه در جامعه‌ی سنتی، افراد به واسطه‌ی تعلق به گروه‌های جمعی چون خویشاوندان، قبیله و یا گروه‌های محلی شناسایی می‌شدند؛ نه به واسطه‌ی ویژگی مشترکی که هر کدام از افراد را در یک تجربه‌ی واحد تعریف می‌کند، آن چه که در تعبیر نسل و در خانواده‌ی جامعه‌ی جدید وجه بارز است و افراد را در گروه‌های مستقل نسلی باز می‌شناسد.

با این وصف خانواده‌ی ایرانی را امروزه معرف حداقل دو نسل و حتی سه نسل می‌دانند که در کنار هم زندگی می‌کنند. هریک از نسل‌ها در هر جنس، با وجود شرایط جدید، ویژگی‌ها و کارکرد معینی دارند و تمایز آن‌ها از طریق تمایز کارکردی و هویتی قابل طرح است. عناصر درون خانواده یعنی پدر و مادر، فرزندان، پدربزرگ و مادربزرگ‌ها، پیوسته در ایجاد روابط بین نسلی تعیین‌کننده هستند و انتظار می‌رود که پدران و مادران به مدیریت در درونی‌کردن فرهنگ و انطباق خانواده با شرایط نو اقدام کنن(همان:۱٤٥). در حالی که تفاوت و تشابه میان نسل‌ها در درون خانواده از میزان دوری یا نزدیکی آن‌ها به هم حکایت دارد، مسأله‌ای که هم‌چنان چالش جدی محققان این حوزه است، وجود گفتمان‌هایی است که بر مدار روابط نسل‌ها جریان دارد. البته این که گفتمان‌ها

[۱] Herrmann

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

در پیوند با هم هستند یا تضاد، مسأله‌ای است که نیاز به تأمل دارد. نظریه‌ی وجود توافق نسلی یا تضاد نسلی، هرکدام طرفدارانی را پیرامون خود گرد آورده است. این مطالعه با تمرکز بر روایت‌های شخصی و شفاهی که هر کدام از نسل‌های زنان کهن‌سال و زنان جوان در خانواده بیان کرده‌اند، به آزمون این پرسش‌ها پرداخته است.

ضرورت مسأله

آغاز فرایند پرشتاب مدرنیزاسیون که خود توأم با تغییرات عمیق در جامعه است و تمایزات نسلی را به گونه‌ای صریح‌تر نمایان ساخته است(آزاد ارمکی،۵۲:۱۳۹۰). اجرای برنامه‌های توسعه و تحولات فرهنگی، تحول در ارتباطات و تکنولوژی و رشد چشم‌گیر رسانه‌ها، ماهواره، اینترنت و شبکه‌ای شدن جامعه، همگی از متغیرهایی است که ضرورت مطالعه‌ی مسایل مهم خانواده‌ی ایرانی را در چنین شرایط پرتب و تابی دوچندان می‌کند. به‌ویژه تغییر موقعیت‌های فرهنگی،اجتماعی و اقتصادی زنان در نسل‌های مختلف، رشد چشم‌گیر تحصیلات و امکان کسب موقعیت‌های اجتماعی و به دنبال آن تغییر نقش‌های سنتی زنان ، ضرورت بررسی گفتمان زنان نسل کهن‌سال و جوان را بیش‌تر نمایان می‌سازد. چراکه این تغییر موقعیت‌ها، می‌تواند خود منشا تحولات گسترده در عمق جامعه و خانواده باشد. آن گونه که کارل مانهایم[1] معتقد است هر موقعیت اجتماعی و فرهنگی و هرگونه برخورد و تقابل آن با ذهن آدمی، می‌تواند در ساخت آگاهی انسان مؤثر باشد و تأثیراتی که فرد می‌پذیرد به لحاظ دامنه‌ی نقش‌های خانوادگی در خانواده نیز به شکل مشهودی قابل ردیابی است. این گونه رشد فردیت، تغییر در معنای هویت و زندگی، تغییر الگوهای رایج روابط افراد و به‌ویژه نسل‌ها را در درون خانواده به همراه خواهد داشت. ضرورت برجسته‌ی دیگری که در نگاه نویسنده‌ی مقاله مهم جلوه می‌کند، تغییر در الگوهای اقتدار در روابط میان نسل‌های درون خانواده است که دریافت گفتمان حاکم بر هر نسل و رابطه‌ی آن را با گفتمان نسل دیگر برجسته می‌کند. نکته‌ای که حاصل تجربه‌ی زیسته‌ی محقق با جوانان، در موقعیت شغلی خود است. روابطی که با تغییر در حوزه‌ی دانشی نسل‌های نو و رشد تکنولوژی نیز مرتبط به نظر می‌رسد.

[1] Karl Mannheim

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

اهداف پژوهش

اهداف این مطالعه را در دو هدف کلی می‌توان بیان نمود:

۱- شناسایی گفتمان‌های موجود نسل اول و سوم زنان در خانواده‌ی ایرانی

۲- بررسی رابطه‌ی گفتمان‌های موجود در نسل اول و سوم زنان خانواده‌ی ایرانی

سؤالات پژوهش

۱- گفتمان‌های موجود در نسل اول و سوم زنان در خانواده کدامند؟

۲- رابطه‌ی گفتمان‌های نسل اول و سوم زنان چگونه است؟

چارچوب مفهومی پژوهش

مطالعه در مورد نسل در جهان معاصر بیش از چند دهه سابقه دارد و از دهه‌ی ۱۹۵۰ به بعد، با نقد مفهومی و روشی نسبت به مجموعه علوم اجتماعی اثباتی، وارد حوزه‌ی جدیدی شد. تغییر شرایط اجتماعی جامعه‌ی جهانی در دهه‌ی ٦۰ و۷۰ که به شکل‌گیری جنبش اجتماعی جوانان انجامید نیز فضای تازه‌ای را ایجاد کرد. تا قبل از دهه‌ی ۵۰، اهمیت جوانان مورد توجه قرار نگرفته بود؛ اما با تغییر وضعیت اجتماعی و شکل‌گیری نقد نظری و قدرت یافتن اندیشه‌ی انتقادی و بازخوانی آثار مانهایم و پیروان او، امکان مفهوم‌سازی در زمینه‌ی جامعه‌شناسی نسلی مطرح گردید(آزادارمکی،۱۳۸٦:٤٤).

از دهه‌ی ۷۰ نیز بسیاری از جامعه‌شناسان چون کالینز[1]، الکساندر[2]، ریتزر[3] و اینگلهارت[4]، مفاهیم جامعه‌شناسی جدید را توسعه دادند. اینگلهارت معتقد است جامعه‌ی صنعتی و گذار به ارزش‌های نو، رابطه‌ای منطقی دارند و فرهنگ تابع مسیری تاریخی است و روابط نسلی نیز در همین الگو دیده می‌شود(همان).

مانهایم از جمله کسانی است که پیش‌گام پرداختن به مفهوم نسل است. او سهم برجسته‌ای در نظام یافته ساختن این ایده داشت که هر نسل، مهر خاص حوادث اجتماعی، سیاسی دوره‌ی اصلی شکل‌گیری جوانی خود را بر پیشانی دارد. مانهایم سه بعد را برای نسل تشخیص می‌دهد:

[1] Collins
[2] Alexander
[3] Ritzer,George
[4] Engelhardt

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱. جای‌گاه نسلی. حوزه‌ی کسب تجربه با افرادی که در دوره‌ی زمانی و فضای اجتماعی- فرهنگی یکسانی متولد شده‌اند.

۲. نسل به مانند واقعیت. افرادی که به لحاظ تاریخی هم‌دوره‌اند.

۳. واحد نسلی. گروه سنی - زیستی که محل مشترک، سرنوشت و علاقه‌های مشترک و هویت واحد براساس تجربه‌ی مشترک دارند(چیت ساز،۸۹:۱۳۸٦).

شفرز[1] نیز نسل را این گونه توصیف می‌کند: نسل به کلیه‌ی افرادی که در یک مجموعه‌ی اجتماعی برای نمونه در یک کشور زندگی می‌کنند و دارای ارزش‌های یکسان هستند و تصوری نزدیک در زندگی دارند و از نظر سنی نیز در محدوده‌ی مشخصی از گروه سنی قبل و بعد خود، متمایز هستند، گفته می‌شود.

روابط میان نسل‌ها: کم و کیف ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهای نسل جدید و رابطه‌ی نسل‌ها با یکدیگر از سؤالات اساسی جامعه محسوب می‌شود. به‌ویژه در جامعه‌ی ایران، مسأله این است که آیا نظام ارزشی و هنجاری جامعه در شرایط فعلی در بازتولید هنجارهای تداوم‌بخشنده به نهادهای خرد و کلان اجتماعی از جمله خانواده، با موقعیت و کارآمدی قابل قبول عمل می‌کند یا خیر؟(چیت ساز،۱۳۸٦: ۸۷).

باید در نظر داشت که تفاوت‌های نسلی، صرفاً به لحاظ وجود یا عدم وجود تفاوت، حائز اهمیت نیست؛ بلکه از این دریچه که می‌تواند هم‌زمان در میان یک گروه نسلی اشتراک معنایی ایجاد نماید، گویای وجود یک گفتمان است. گفتمانی که بنا به گفته‌ی لاکلو[2]، پدیده‌ای اجتماعی و ابزاری است که با آن می‌توان هر امر اجتماعی را تحلیل کرد؛ البته با وساطت نظام‌های معنایی که در گفتمان وجود دارد(لاکلو،۱۰۱:۱۹۹۰). نسل در این معنا، یک فضای اجتماعی برای دیگر گفتمان‌ها فراهم می‌کند و از تاریخ و بیوگرافی یک نسل فراتر می‌رود(فاستر،۲۳۳:۲۰۱۱)[3].

تغییرات در خانواده

تغییر خانواده‌ی ایرانی از وضعیت سنتی(گسترده) به جدید(ترکیبی چون هسته‌ای، پیوسته و شبه‌گسترده)، تحت شرایط متعدد صورت گرفته است. در مجموع می‌توان از شرایط جهانی، ملی و

[1] Scheffers
[2] Laclau
[3] Faster

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

منطقه‌ای و درون خانوادگی یاد کرد. ورود ایران به دوره‌ی جدید همراه با اقتضائاتی بوده است. شهرنشینی، اقتصاد صنعتی، توسعه‌ی نظام اداری، توسعه‌ی شبکه‌ی حمل و نقل، توسعه‌ی وسایل ارتباط جمعی و تحقق نهادهای جدید اجتماعی چون آموزش و پرورش، دانش‌گاه و... این شرایط امکان جابه‌جایی افراد خانواده را در سطح ملی و بین‌المللی فراهم کرد(آزاد ارمکی،۱۳۹۲:۶۹). تغییر این شرایط اجتماعی، خانواده را نیز متأثر ساخته است.

خانواده به عنوان گفتمان

خانواده به عنوان گفتمان به این موضـوع اشاره دارد که زبان و معـنا در رهیافتی اجتماعی بیش-ترین تأثیر را در درک ما از زندگی خانوادگی دارند. واژه‌ی خانواده در ذهن ما معنایی تداعی می-کند و تمامی مفاهیمی که به خانواده مرتبط هستند نیز چنین حالتی دارند(ادواردز و مک کارتی،۱۳۹۰:۲۶۰).

تفکر خانواده به عنوان گفتمان از زمانی مطرح شد که ما به اهمیت زبان و معنا در درک و فهم زندگی خانوادگی پی بردیم. در واقع مجموعه‌ی پژوهش‌های گوناگون در این زمینه باعث شد تا **"گفتمان خانواده"**[1] ابداع شود. از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به پژوهش‌هایی اشاره کرد که فرایند یادگیری زبان را در کودکان مطالعه کرد و سعی می‌کرد مراحل توسعه‌ی توانایی کودک را در تکلم مورد ارزیابی قرار دهد و در کنار آن مطالعات دیگری نیز در این زمینه انجام شده بود که چگونه والدین و فرزندانشان باور به ارزش‌های مشترک خانوادگی را در ذهن خود ایجاد می‌کنند و در کنار این موارد، پژوهش‌های دیگری به این موضوع پرداخته بود که چگونه در تعامل بین اعضای خانواده شاهد شکل‌گیری نوعی گفتمان هستیم و در این گفتمان چگونه برخی مفاهیم ضمنی مانند جنسیت، قدرت، همبستگی، باورها و ارزش‌ها مطرح می‌شود(ادواردز و مک کارتی،۱۳۹۰:۲۶۱). مورد نظر ما بیش‌تر مطالعاتی است که در پی شناخت این موضوع هستند که چگونه خانواده به عنوان یک واقعیت اجتماعی معنادار در گفتمان‌ها شکل می‌گیرد. این موضوع یکی از مهم‌ترین موضوعات در مطالعات خانواده است و حتی می‌توان مطالعات خانواده را نیز بخشی از فرایند کلی‌تر خانواده به عنوان یک گفتمان تلقی نمود. از بعضی جهات، این نظر وجود دارد که موضوع گفتمان خانواده با ایدئولوژی خانواده ارتباط نزدیکی دارد و نمی‌توان بدون سخن گفتن از ارزش‌ها

[1] Family Discourse

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

و باورهایی که بر خانـواده حاکـم است از گفتمان خانواده سخـن گفت؛ چراکه ایـدئولـوژی، ایده‌آل‌هایی تولید می کند و خانواده را اغلب از به کار بردن شیوه های واقعی و عملی زندگی دور می‌سازد. البته این نگاه، تا حدی زیاده‌روی در برجسته‌کردن ایدئولوژی است. اگر چه تأثیرات نظام ارزشی خانواده برگفتمان خانواده غیر قابل انکار است، اما گفتمان، چتر گسترده‌تری دارد که این ارزش‌ها هم در دورن آن جایی را به خود اختصاص داده‌اند، ضمن آن که گفتمان به دلیل ماهیت ارتباطی بیش‌تر جنبه‌ی عملیاتی دارد تا ذهنی.

هرگفتمانی بیان‌گر نگرشی است که نسبت به یک موضوع خاص دارد که اگر آن را واکاوی کنیم می‌توانیم روابط نابرابر قدرت درون آن را شناسایی و درک نماییم. بنابراین با توجه به این نکات خانواده به عنوان یک گفتمان در برگیرنده‌ی شبکه‌ای از روابط در هم تنیده است که تجربیات روزانه‌ی ما را به ساختارهای حاکم بر جامعه پیوند می‌زند(ادواردز و مک کارتی،۱۳۹۰: ۲٦۲).

پیشینه‌ی پژوهش

موضوع مناسبات نسلی، از موضوعات پرتکرار در تحقیقات و پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی در همه‌ی رشته‌های علوم اجتماعی است. اما با وجود کثرت، کم‌تر مطالعه‌ای را می‌توان یافت که از دریچه‌ای بدیع به موضوع پرداخته باشد و گرفتار دام تکرار نشده باشد. علمای روش‌شناسی همواره تأکید دارند که یک موضوع واحد اجتماعی می‌تواند بارها از سوی محققان، مورد پژوهش قرارگیرد؛ به شرط آن که بر اندوخته‌ی دانش آن حوزه، نکته‌ی تازه‌ای بیافزاید. در واقع این تحلیل و تفسیر محققان گوناگون از موضوعات مشابه است که می‌تواند منحصربه‌فرد و بکر باشد.

مطالعات حوزه‌ی نسلی واجد سه رویکرد است:

۱. تحقیقاتی که مبتنی بر مفروض دانستن گسست نسلی هستند.

۲. تحقیقاتی که فرض آن‌ها، وجود پیوست نسلی است.

۳. تحقیقاتی که رویکرد بینابینی دارند و نسبت به گسست یا پیوست نسلی، بی‌طرفانه به میدان پژوهش مطالعه می‌کنند.

چند مورد از پژوهش‌های شاخص این حوزه، به عنوان نمونه بیان شده است:

نایری و برمودز(۲۰۱٤)، در مطالعه‌ای با عنوان «شکاف یا تفاوت؟ تفاوت‌های فرهنگی والدین و فرزندان، در خانواده‌های مهاجر مکزیکی»، به بررسی تفاوت‌های فرهنگی بین والدین مهاجر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مکزیکی و فرزندان آن‌ها و اثرات این ارتباط بر رابطه‌ی مادر- کودک می‌پردازند که ۳۰ خانواده از فونیکس و آریزونا، با به‌کارگیری مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند، مطالعه شدند. در میان این ۳۰ خانواده، میان والدین و فرزندان ٤ خانواده، تفاوتی دیده نشده است. تفاوت حداقلی در ۲۱ مورد و تفاوت حداکثری، در ۵ خانواده گزارش شده است. اگرچه وابستگی فرزندان با فرهنگ آمریکایی بیش‌تر از والدینشان بوده است، اما به شکل قابل ملاحظه‌ای هم فرزندان و هم والدینشان با فرهنگ مکزیکی مشابهت دارند. تفاوت‌های فرهنگی عمدتاً اجتناب‌ناپذیر و طبیعی دیده می‌شوند تا تأسف‌انگیز و غیر طبیعی(نایری و برمودز،۲۰۱٤:۲)[1]. چنین رویکردی گویای طبیعی و بدیهی دانستن تغییرات فرهنگی از نسلی به نسل دیگر است.

آزاد ارمکی(۱۳۸٦)، در فراتحلیلی جامع با عنوان «فرایند تغییر نسلی- بررسی فراتحلیلی در ایران»، به بررسی تحقیقات انجام شده در حوزه‌ی نسل‌ها پرداخته است. او معتقد است که تا قبل دهه‌ی ٦۰، سخنی جدی از مطالعه‌ی نسلی در میان نبوده است. اگرچه از دهه‌ی ۳۰، بحث در مورد جوانان صورت می‌گرفته است، اما اندک مطالعات صورت‌گرفته بیش‌تر رویکرد جمعیت‌شناختی داشته‌اند تا جامعه‌شناختی. در حالی که امروزه با توجه به تفاوت وضعیت فعلی جامعه با گذشته و جابه‌جایی گروه‌های مرجع، مسأله‌ی شکاف نسلی از موضوعات اصلی حوزه‌ی سیاسی و روشن‌فکری شده است. به‌ویژه پس از شکل‌گیری دولت اصلاحات و طرح موضوعات مرتبط با جوانان از ناحیه‌ی دولت، این مسأله مورد نظر قرار گفته است(آزاد ارمکی،۱۳۸٦:٤٦).

مهری بهار (۱۳۸٦)، در مطالعه‌ای با عنوان «ابژه‌های دینی و هویت نسلی در ایران، با تکیه بر ابژه‌های عزاداری» به مقایسه‌ی ابژه‌های دینی سه نسل(قبل از انقلاب، انقلاب و جنگ و پس از جنگ)، با استفاده از نظریات نسلی اینگلهارت و بالس، پرداخته است. هدف از این مطالعه، بررسی نوع ارتباط و پیوستگی ابژه‌های فرهنگی و اجتماعی، ارزش‌های دینی و هویت نسلی است. نتایج حاکی از آن است که نسل اول از ابژه‌های کم‌تری در مقایسه با نسل‌های بعدی استفاده می‌کند. این نسل مراسم است؛ درحالی‌که نسل دوم ایده‌آل‌گرا و نسل سوم ضمن این که مراسم‌گراست، به جهان جدید و نیازهای مطرح در آن توجه دارد. جهان نسل سوم، مملو از ابژه‌های متعدد، رنگارنگ و لوکس است که برساخته زمان صلح هستند

[1] (Nieri. Bermudez,2014: 2)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

محمد جواد چیت ساز(۱۳۸٦)، در مقاله‌ی خود –«بازشناسی مفاهیم نسل»- به معرفی روان و گویایی از مفاهیم اولیه‌ی این حوزه پرداخته است و دسته‌بندی هدفمندی را از نسل‌های مورد مطالعه‌ی خود در شکل نسل اجتماعی و نه صرفاً سنی و بیولوژیک، ارائه داده است. این دسته‌بندی ، براساس تمایز نسل‌ها در تجارب تاریخی و اجتماعی بوده است که البته تمرکز فراوانی بر تجارب سیاسی، شده است. اما نکته ی ضعف اساسی ،تا مشخص بودن روش‌شناسی است .چراکه صرفاً با مشاهده‌ی جدول مؤلفه‌های گسست نسلی که تنظیم نسبتاً دقیقی نیز دارد و محتوای نتیجه‌گیری پایانی، می‌توان روش مورد استفاده را کمی فرض کرد، ضمن آن که واکاوی تاریخی تجارب اجتماعی و تفاوت‌های اشکال جامعه‌پذیری نسل‌ها که محقق ارائه داده است، تنها با یک بررسی عمیق کیفی ممکن است. به هر روی، عدم ذکر روش‌شناسی مشخص، فرایند قضاوت در مورد روش تحقیق مورد استفاده را دشوار ساخته است.

فاطمه نیک پرور و همکارانش(۱۳۹۰)، مطالعه‌ای با رویکرد کیفی با موضوع «تغییر ملاک‌های ازدواج در سه نسل»، با ارائه‌ی یک مدل زمینه‌ای مقدماتی انجام داده‌اند که می‌تواند در سامان‌دهی پژوهش‌های کیفی گسترده‌تری در حوزه‌ی مطالعات نسلی راه‌گشا باشد. پژوهش آن‌ها با رویکرد کیفی، از روش قوم‌نگاری به عنوان روش عملیاتی تحقیق، مبتنی بر رهیافت تفسیرگرایی، بهره برده و با تکنیک مصاحبه‌ی آزاد، به گردآوری داده پرداخته است. نمونه‌ی تحقیق براساس نمونه‌ی هدفمند(برای گزینش افراد مورد مصاحبه) و نظری(برای تشخیص تعداد مصاحبه‌شوندگان)، مد نظر محقق بوده است. این مطالعه از معدود پژوهش‌هایی است که اصول مبنایی پژوهش کیفی را می‌توان در آن ملاحظه نمود؛ اما یک پرسش در تحلیل نهایی آن، مطرح است. الگوی نظریه‌ی مبنایی مبتنی بر مقولات هسته‌ای و اساسی، بیان شده است. اما محقق برای تحلیل خود، استنادات را به گونه‌ای به نظریات ارجاع داده است که الگوی استفاده از چارچوب نظری در تحقیقات علی را به ذهن متبادر می‌سازد.

در مجموع مطالعه‌ی سعید ذکایی(۱۳۸۸)، مهری بهار(۱۳۸٦)، منادی(۱۳۸۹) و توحیدلو(۱۳۸۸) را می‌توان واجد نگاه بینابینی و مطالعه‌ی آقاجری(۱۳۸۲)، عمادی(۱۳۸۸) را می‌توان در زمره‌ی طرف‌داران وجود گسست در خانواده‌ی ایرانی دانست. در این مطالعات به موضوعاتی چون: ابژه‌های نسلی، رابطه‌ی مسایل نسلی و هویت، بازنمایی تصویری در رسانه‌ای مثل سینما و وجود گسست یا پیوست از منظر دین و جامعه پرداخته شده است.

در بررسی پیشینه‌ی تحقیقات، این نکات شایان توجه است:

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

– به طور مشخص در میان انبوه تحقیقات در حوزه‌ی نسل و روابط نسلی، پرداختن به موضوع گفتمان نسلی، شناخت این گفتمان و تعاملات نسل‌های مختلف در فضای گفتمانی و تغییرات گفتمان نسل‌ها در طول زمان، موضوع مغفول مانده‌ای است که از ابتدا انگیزه‌ی سامان‌دهی این پژوهش نیز بوده است. مسأله‌ای که اهمیت پرداختن به گفتمان نسلی و چند و چون تغییر و تحول آن را به منظور بازشناسی تغییرات نسل‌ها را هم‌زمان با تغییرات اجتماعی و فرهنگی برجسته می-کند.

– اگرچه رویکرد کمی هم‌چنان از قوت و اعتبار بالایی در انجام پژوهش‌های اجتماعی برخوردار است، اما در شناخت عمیق و معنایی پدیده‌های اجتماعی ناتوان است و از این رو بسیاری از پیچیدگی‌های موضوعات اجتماعی، نیازمند نگاه ژرفانگری است که از رویکرد کیفی برمی‌آید. با این اوصاف، عمده‌ی پژوهش‌ها در موضوع روابط نسلی، با رویکرد کمی و روش پیمایش، صورت گرفته است. اگرچه پیمایش‌ها می‌توانند تصویر خوبی از واقعیت اجتماعی نشان دهند، اما صرف اتکا به داده‌های کمی حاصل از پیمایش، چندان در تبیین موضوعات راه‌گشا نیست. ضروری است که با تغییر رویکرد و استفاده از روش‌های پژوهش کیفی و تکنیک‌هایی چون مصاحبه‌ی عمیق، آزاد و روایت‌محور، به عمق میدان و ارتباط با جامعه‌ی مورد مطالعه برویم تا به درک عمیق‌تر و واقع‌بینانه‌تری از نسل برسیم. باید اضافه کنیم که نمونه‌های خوب و البته انگشت‌شماری از تحقیقات با رویکرد کیفی در این حوزه انجام گرفته است که می‌تواند شروع مناسبی جهت تغییر رویکرد باشد.

– با مروری بر عناوین پژوهش‌ها، این نکته دریافت می‌شود که مفاهیمی چون توافق نسلی وگسست یا تضاد نسلی، در بیش‌تر آن‌ها تکرار شده است. این امر ناشی از آن است که در مورد روابط و مناسبات نسلی، قضاوت‌های دائمی مبنی بر توافق یا گسست وجود دارد؛ همین قضاوت-ها هستند که پیش‌زمینه‌ی ذهنی محقق را به سمت به‌کارگیری جانب‌دارانه و فاقد اعتبار علمی این مفاهیم سوق داده است و محقق در ابتدای تحقیق تقریباً وجود توافق یا گسست را فرض گرفته و در فرایند مطالعه، به دنبال شواهدی علی برای مفروض خود خواهد بود.

– پژوهش‌های کیفی معدودی نیز که صورت پذیرفته، با تهدیداتی از جمله کلی‌گویی، ابهام در ساختاربندی، محتوا و تحلیل روبه‌رو هستند. به گونه‌ای که در معرفی تکنیک‌های گردآوری داده، انتخاب نمونه و شیوه‌ی تحلیل، به عناوین کلی مصاحبه‌ی باز، نمونه‌ی هدفمند و ارائه‌ی مدل تئوری، بسنده شده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش: رهیافت روشی این پژوهش، روش کیفی[1] است. چنین مطالعه‌ای، اطلاعات خود را با ارجاع به عقاید، ارزش‌ها و رفتارها، در بستر اجتماعی به دست می‌آورد و هدف آن، درک جهان طبیعی کنش‌گران، رویدادها و پدیده‌های اجتماعی است. همان طور که در محیط طبیعی اتفاق می‌افتد و محقق می‌بایست به کشف میدان معانی در پس ذهنیت‌ها و میان ذهنیت‌ها بپردازد(محمدپور،۱۳۹۲:۵۸). نویسنده در این پژوهش، چنین رویکردی را با روش داده‌بنیاد تحلیل موقعیت[2] و تکنیک مصاحبه‌های روایی[3] دنبال نموده است. در نتیجه برای گفتمان‌شناسی از مسیر این روش اقدام شده است نه روش‌های تحلیل گفتمان؛ چراکه تحلیل هر گفتمان مد نظر نبوده است. در روش تحلیل موقعیت، محقق در موقعیت واقعی، حضور و مشاهده و مشارکت و تماس پیدا می‌کند و هرچه را می‌بیند و می‌شنود و می‌اندیشد، به طور تکوینی و انباشتی نقشه می‌کند. "نقشه کردن مهم‌ترین تمایز این نسخه است. نقشه کردن هم رفتار گفتمانی را برملا می‌کند و هم به تجسم بخشیدن به اندیشه‌ی محقق کمک می‌کند و درگیری متاملانه و پرسش‌گرانه‌ی پژوهش‌گر را با یک موقعیت به روی صفحه می‌آورد تا واکاوی بهتری در جزئیات بشود و شرح انتقادی محکمی از یک پدیده در یک موقعیت خاص به دست دهد(فراست خواه،۱۳۹۵:۱۰۹)". نقشه‌ی موقعیت، مجسم‌سازی فکری یک میدان و موقعیت خاص اجتماعی است و محقق در این مرحله می‌خواهد بداند که موقعیت مورد تحقیق او، حاوی چه عناصری است. در واقع کنش متقابل میان عناصر موجود در موقعیت برحسب سرشت ارتباطی و شبکه‌ای که آن‌ها دارند، مصورسازی می‌شود (فراست خواه،۱۳۹۵:۱۱۲). لازم به ذکر است که مصاحبه های روایی که در این پژوهش به کار گرفته شده نیز درجهت همان هدف گفتمانی ست . استفاده از روایت،در شناسایی گفتمان ها مسیر مناسبی برای رسوخ به عمق کلام و دریافتن معانی ست(غلامرضا کاشی،۱۳۸۸:۵۰۶).

تعیین نمونه: روش نمونه‌گیری چندگانه‌ی نیت‌مند[4]، در این مطالعه مورد استفاده بوده است. یعنی به طور هم‌زمان از چند روش نمونه‌گیری غیر احتمالی[5] و با رویکرد هدفمند، استفاده شده

[1] Qualitative method
[2] position analysis Grounded Theory
[3] Narrative interview Technique
[4] Sampling using multiple purposive
[5] Nonprobability sampling

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

است. مثلاً نمونه‌گیری گلوله برفی[1] و معیار،هم‌زمان مورد استفاده قرار گرفته است. در مورد تعداد نمونه، محقق از آن‌جا که می‌تواند با توجه به ابعاد مطالعه، دامنه‌ی نمونه را گسترش دهد تا اشباع نظری حاصل شود، ۲۰ مورد را با توجه به گروه‌های سنی معرف دو نسل زنان کهن‌سال و جوان بر اساس تعریف مرکز آمار، انتخاب کرده که در جدول شماره‌ی ۱، آمده است.

جدول شماره‌ی یک- گروه‌های نمونه

گروه نسلی	زن
نسل زنان کهن‌سال(۵۵ سال وبالاتر)	۱۰
نسل زنان جوان(۱۸-۲۹سال)	۱۰

اعتبار[2] و روایی[3]: روش‌شناسان کیفی به جای استفاده از معیارهای اعتمادپذیری جهت ارجاع به نتایج کیفی از روش هایی استفاده می‌کنند که به طور سنتی متضمن تعیین درجه‌ای است که در آن داعیه‌های محقق درباره‌ی دانش، با واقعیت تحت مطالعه سازگاری دارد که بهره‌گیری از نظر داوران، برای کنترل این سازگاری از شیوه‌های معمول است. در این پژوهش، محقق مقوله‌های هر سطح را چه در مرحله‌ی نام‌گذاری، چه در سطوح انتزاعی بعدی، در معرض نقد و نظر ۳ استاد جامعه‌شناسی قرار داده و انتخاب مقوله‌ها برآیندی از نظر آن‌ها بوده است. ارائه‌ی گزارش به این اساتید از طریق ارائه‌ی جداولی از مقولات با توضیحات تکمیلی و پرسش و پاسخ‌هایی جهت رفع ابهامات احتمالی اساتید، صورت پذیرفته است و از منظر این نقد و نظر، مقولات ارزیابی شدند.

یافته‌های پژوهش

پس از ورود به مرحله‌ی استخراج داده‌ها و نام‌گذاری اولیه، از مقوله‌های سطح اول حاصل از نام‌گذاری، مقوله‌های سطح دوم،استخراج شده که نقطه‌ی اشتراکی در نوگرایی با هم پیدا کرده‌اندو به تفکیک هر گروه نسلی در جداول شماره‌ی ۲ و۳ آماده است:

جدول شماره‌ی دو- مقوله‌های زنان نسل کهن‌سال

مقوله‌های سطح اول	مقوله‌های سطح دوم
نوگرایی درتفکر	

[1] Snowball sampling
Validity[۲]
Reliability[۳]

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

استفاده از فضای مجازی	نوگرایی
تشابه نسلی ارزشی و رفتاری با فرزندان	
تعاملات نسبتاً مثبت بین نسلی	
هم‌پیوندی بین نسلی	
الگوی فراغت فردگرا	
عدم تقسیم کار جنسیتی	
نواندیشی در حقوق زن در خانواده	
سنت‌گرایی در حقوق زن در خانواده	سنت‌پیشگی
مذهب‌گرایی سنتی	
ارزش‌های سنتی ازدواج	
ارزش‌های جمع‌گرایانه	
هراس از نوگرایی	
هراس از فضای مجازی	
تفاوت نسلی در ازادواج با فرزندان	
تشابه نسلی مذهبی والدین و فرزندان	
تشابه نسلی در ازدواج با والدین	

جدول شماره‌ی سه- مقوله های زنان نسل جوان

مقوله‌های سطح اول	مقوله‌های سطح دوم
نوگرایی درتفکر	نوگرایی
ارزش‌های دوسویه‌ی خانوادگی	
احساس نزدیکی بین نسلی	
تفاوت نسلی مذهبی با والدین	
سنت‌گرایی دوسویه در حقوق زن در خانواده	
هم‌پیوندی نسلی	
تعاملات مثبت بین نسلی	
تعاملات مثبت درون نسلی	
نوگرایی در حقوق زن در خانواده	پیش‌رو بودن
بازتعریف ارزش‌های ازدواج	
تغییر سبک اعتقادی	
تغییر الگوی سبک زندگی	

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

تغییر الگوی ارتباطی	
تمایل زیاد به پیش‌رفت	

مقوله‌های مرکزی

پس از سه گام نام‌گذاری، مقوله‌های سطح اول و مقوله‌های سطح دوم، مقوله‌های مرکزی هر نسل، در چارچوب مفاهیم زیر در جداول شماره‌ی ٤ و۵، قابل ارائه است:

جدول شماره‌ی چهار- مقوله‌ی مرکزی زنان نسل کهن‌سال

مقوله‌ی سطح اول	مقوله‌ی سطح دوم	مقوله‌ی مرکزی(هسته‌ای)
نوگرایی درتفکر	نوگرایی	نوگرایی سنت‌پیشه
استفاده از فضای مجازی		
تشابه نسلی ارزشی و رفتاری با فرزندان		
تعاملات نسبتاً مثبت بین نسلی		
هم‌پیوندی بین نسلی		
الگوی فراغت فردگرا		
عدم تقسیم کار جنسیتی		
نواندیشی در حقوق زن در خانواده		
سنت‌گرایی در حقوق زن در خانواده	سنت‌پیشگی	
مذهب‌گرایی سنتی		
ارزش‌های سنتی ازدواج		
ارزش‌های جمع‌گرایانه		
هراس از نوگرایی		
هراس از فضای مجازی		
تفاوت نسلی در ازادواج با فرزندان		
تشابه نسلی مذهبی والدین و فرزندان		
تشابه نسلی در ازدواج با والدین		

همان طور که پیش از این هم گفته شد، در میان زنان نسل اول، نوعی گرایش جانب‌دارانه به سنت وجود دارد که هم مورد پذیرش و تأیید آن‌ها و هم در عمل ملاک تعیین روش زندگی آن-هاست. در نتیجه با وجود داشتن انتقاد به سنت، پذیرش آن را بر خود فرض دانسته و همین امر به

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

تدوام سنت‌گرایی در آن‌ها می‌انجامد. اما آن چه نوگرایی را با این سنت‌پیشگی همراه می‌کند، میل به تجارب نو در این گروه زنان و دریغ‌ها و حسرت‌های آن‌ها بوده است و برخی حتی تجارب شیوه‌های نو در زندگی را داشتند؛ اما هم‌چنان وفادار به سنت باقی مانده بودند.

جدول شماره‌ی پنج- مقوله‌ی مرکزی زنان نسل جوان

مقوله‌ی سطح اول	مقوله‌ی سطح دوم	مقوله‌ی مرکزی هسته‌ای
نوگرایی در تفکر	نوگرایی	نوگرایی پیش‌رو
ارزش‌های دوسویه‌ی خانوادگی		
احساس نزدیکی بین نسلی		
تفاوت نسلی مذهبی با والدین		
سنت‌گرایی دوسویه در حقوق زن در خانواده		
هم‌پیوندی نسلی		
تعاملات مثبت بین نسلی		
تعاملات مثبت درون نسلی		
نوگرایی در حقوق زن در خانواده	پیش‌رو بودن	
بازتعریف ارزش‌های ازدواج		
تغییر سبک اعتقادی		
تغییر الگوی سبک زندگی		
تغییر الگوی ارتباطی		
تمایل زیاد به پیش‌رفت		

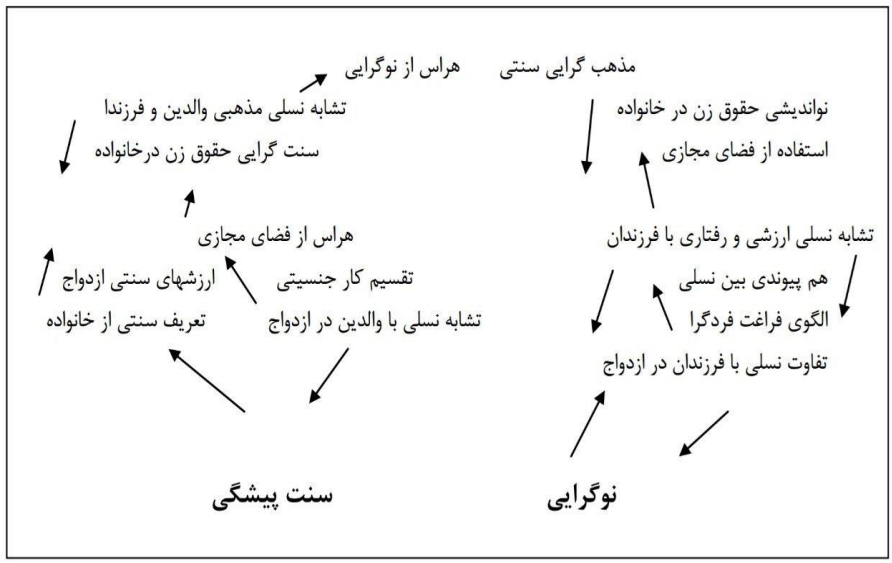
وقتی مقولات سطح اول نسل زنان جوان را کنار هم می‌گذاریم، مقولات هم‌خانواده را در یک خوشه قرار می‌دهیم؛ در می‌یابیم که نسل جوان در برخورد با مقوله‌ی نوگرایی، پیش‌روتر عمل می‌کند. انتقادات جدی زنان به تفاوت‌های جنسیتی به مقدار قابل توجهی گویای این نوگرایی پیش‌رو است؛ چراکه بدون ملاحظه‌ای این انگاره‌های سنتی را به چالش می‌کشند؛ اما هم‌چنان با نسل زنان کهن‌سال در تعامل هستند؛ چراکه هر دو میل به نوگرایی دارند.

کاربرد مدل نظریه‌ی زمینه‌ای مبتنی بر تحلیل موقعیت

در این مطالعه، پژوهش‌گر کوشیده است با بهره‌گیری از مقولات سطح اول و پیوند شبکه‌ای آن‌ها در مقولات سطح دوم، مقوله‌ی مرکزی هر نسل را به عنوان یک گفتمان در بستر نظریه‌ی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

زمینه‌ای، معرفی کند. در ادامه به نقشه تحلیل موقعیت گفتمانی هر نسل خواهیم پرداخت که در نقشه‌های ۱ و۲ به تفکیک هر نسل آورده شده است.



نقشه‌ی شماره‌ی یک- تعیین موقعیت گفتمان نوگرایی سنت‌پیشه

با بررسی پراکندگی مقوله‌ها، وزن مقوله‌های سنت‌پیشگی، نسبت به مقوله‌های نوگرایی محسوس است. اما نمی‌توان از حضور مقوله‌های مرتبط با نوگرایی به آسانی گذر کرد. نکته‌ای که تعامل میان نسل‌ها را فعال نگاه می‌دارد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]



نقشه‌ی شماره‌ی دو- تعیین موقعیت گفتمان نوگرایی پیش‌رو

با بررسی پراکندگی مقوله‌ها، مقوله‌های پیش‌روبودن، خودنمایی می‌کنند و البته مقوله‌های نوگرایی نیز سهم قابل توجهی دارند. این گونه تفاوت دو گفتمان نسل زنان کهن‌سال و نسل جوان نمودار می‌شود. با در نظر داشتن وجه مشترک آن‌ها در مقوله‌ی نوگرایی، این دو نسل، هم‌چنان می‌توانند روابط فعالی را با هم برقرار کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

به منظور جمع‌بندی تحلیل موقعیت گفتمانی دو نسل زنان کهن‌سال و جوان، ابتدا به معرفی موقعیت گفتمانی در ساحت‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، روانی و اقتصادی، پرداخته شده است. این موقعیت‌شناسی برگرفته از مشاهدات میدانی نویسنده، الزامات محیطی و زمینه‌ای، روایت، گفتار، لحن و حتی زبان بدن مصاحبه‌شوندگان است.

موقعیت گفتمانی دو نسل

شناخت موقعیت‌های مختلف هرگفتمان به بازشناسی عوامل زمینه‌ساز آن می‌انجامد و زمینه‌های شکل‌گیری، امکان شناخت تغییرات گفتمانی و زمینه‌های تغییرات گفتمانی را نمایان می‌کند؛ در نتیجه ارزیابی از گفتمان به دست می‌دهد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

- **موقعیت اجتماعی**[1]: موقعیت اجتماعی هر گفتمان با توجه به داده‌های میدانی، در هر نسل متفاوت بوده است. تجارب زندگی زنان کهن‌سال، در موقعیت اجتماعی سنتی، در محدوده‌ی نظام ارزش‌ها و باورهای مقید به سنت، شکل گرفته است. در نتیجه حتی با تنوع موقعیت‌های اجتماعی، هم‌چنان مقید به سنت‌ها هستند و البته تمایل به نوگرایی را نیز به نحوی بروز می‌دهند. قرارگرفتن در معرض سرمایه‌های اجتماعی درون‌گروهی و برجستگی معیارهایی چون آبرو و اعتماد اجتماعی نیز از موارد محدودکننده‌ی تجارب زندگی زنان کهن‌سال بوده است و در مطالعه-ی موقعیت اجتماعی باید مد نظر باشد. ضمن این که رشد زمینه‌های اطلاعاتی، گسترش رسانه‌ها، افزایش دایره‌ی گروه‌های اجتماعی و توسعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی نیز در تغییر موقعیت‌های اجتماعی سهم بسزایی دارند.

- **موقعیت فرهنگی**[2] : هم‌زمان با تغییر موقعیت‌های اجتماعی، باید به موقعیت‌های فرهنگی نیز توجه داشت. تغییر ساحت باورها و نگرش‌های افراد جامعه، تغییر الگوها و سبک‌های فرهنگی حاکم بر زندگی، موجب ایجاد تغییرات اساسی در موقعیت فرهنگی گفتمانی شده است. به گونه‌ای که زنان کهن‌سال سنت‌پیشه را به تغییر، خوش‌بین کرده و وقوع تغییرات از منظر آن‌ها امری طبیعی و لازم تلقی می‌شود. به موازات رشد مفاهیم فرهنگی مرتبط با نظام اجتماعی هم‌چون توسعه‌ی شاخص‌های دموکراسی‌خواهانه در زندگی اجتماعی، خانواده نیز با این تغییر فرهنگی همراه شده است. در نتیجه موقعیت فرهنگی حاکم بر گفتمان هر نسل، با ملاحظه‌ی پذیرش این مفاهیم، درک می‌شود. این گونه است که نوعی درک مشترک از نوگرایی، نقطه‌ی پیوند دو نسل زنان کهن‌سال و جوان در خانواده می‌شود.

- **موقعیت روانی**[3]: هم‌زمان که از احساس حسرت و نوعی ناکامی در میان زنان کهن‌سال سخن می‌گوییم، هم‌راهی آن‌ها با زنان جوان در پذیرش تغییرات در خانواده، منجر به تجربه‌ی موقعیت روانی مشترک می‌شود . به این معنا که اگرچه کهن‌سالان به دلیل ملاحظات سنت، میل به نوگرایی خود را محدود می‌کنند و بی‌پروا نیستند، اما در درک موقعیت روانی گفتمانی با زنان جوان، هم‌راستا می‌شوند و در یک دایره‌ی ذهنی قرار می‌گیرند. افسوس‌های همراه با حس تبعیض، تحقیر و اجحاف در فرصت‌های زندگی از جمله تفاوت‌های موقعیت روانی گفتمان زنان کهن‌سال،

[1] Social position
[2] Cultural position
[3] Psychological position

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

با زنان جوان است. در مقابل، جسارت، کمال‌طلبی، احساس استقلال و حق انتخاب در زندگی، از ویژگی‌های بارز موقعیت روانی گفتمان زنان جوان است.

- **موقعیت اقتصادی**[1]: هم‌زمان که موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی در حال دگرگونی است، موقعیت اقتصادی افراد نیز متحول می‌شود. هر نسل امکانات و موقعیت‌های خاص اقتصادی را در اختیار دارد که به واسطه‌ی انتخاب شیوه‌های زندگی، از آن‌ها بهره می‌گیرد. تغییرات دنیای مدرن، نسل زنان جوان را با موقعیت‌های اقتصادی تازه‌ای روبه‌رو کرده است. امکان ورود به عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی، اشتغال زنان و کسب درآمد با تغییر الگوهای نگرشی همراه و در نتیجه نیازهای اقتصادی تازه‌ای نیز پدیدار شده است. توجه بیش‌تر به مصرف و تبدیل آن به انگاره جدی زندگی زنان جوان نیز از تمایزات موقعیت اقتصادی زنان نسل جوان است؛ اما همان نقطه‌ی اشتراک دو نسل یعنی نوگـرایی، در درک موقعیت اقتصادی نیز قابل ملاحظه است. زنان نسل کهن‌سال، موقعیت اقتصادی متفاوت جوانان را درک می‌کننـد و نسبت به آن درک مثبت و رفاه کم‌تر دارند، دشواری‌های عدم استقلال مالی و محدودیت‌های اقتصادی نیز از جمله حسرت‌های تجربه‌ی زندگی آن‌هاست.

شرح مقوله‌های گفتمانی دو نسل

نوگرایی[2]

دهه‌هـای بسـیاری است که واژه‌ی مـدرن، محل چالش است و بر تمـایزی اساسـی بیـن شکل‌بندی‌های اجتماعی مدرن و جوامع سنتی استوار شده است. البته در همین دوره زمانی هم دشوار بوده که هم دقیقاً ویژگی‌های جوامع مدرن، تعریف شود و هم نشان داده شود که جوامع مدرن عملاً چه زمانی از شکل‌بندی‌های جامعه‌ی سنتی می‌گسلند. البته با این نگاه واگنر[3]، همراه نیستم که بتوان چنین مرزی را تعیین کرد. به‌ویژه در جوامعی که با وجود تغییرات گسترده در مظاهر زندگی، سنت هم‌چنان نقش پررنگی در آن‌ها بازی می‌کند و اتفاقاً در تلاش هستند که نهادهای مدرن را نیز با منویات خود سامان دهند. جامعه‌ی ایرانی و مدرنیته‌ی ایرانی نیز همین گونه است؛ چراکه به گفته‌ی تقی آزاد ارمکی، رنگ و بوی دینی دارد. مشاهدات نویسنده از

[1] Economic position
[2] modernism
[3] Wagner

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مصاحبه‌شوندگان گـویای همین نکته است. مثلاً زن کهـن‌سالی که از اهمیـت پرداختن به نماز می‌گوید، زن کهن‌سالی که لزوم حفظ حیا و عفت فرزندانش را خاطر نشان می‌کند؛ اگرچه نمود بیرونی حجاب را چندان نمی‌پذیرد. زن جوانی که برداشت‌های غلط از دین را عامل اجحاف به زنان در رعایت حقوقشان در جامعه می‌داند و در نهایت، زن جوانی که از خواندن نماز و روزه‌ی خود البته به روش خاص مثلاً نماز به زبان فارسی یاد می‌کند. مجموعه‌ی نقل قول‌هایی از این دست، گویای تأیید همین گزاره است که مدرنیته‌ی ایرانی، در اتمسفر دینی، قابل دریافت است. البته رویکرد دینی که با پوشش سنت همراه است. علاوه بر این‌ها آن چه واگنر از تمایز شکل‌بندی اجتماعی مدرن و سنتی می‌گوید و معتقد است به فرایندهای ناظر بر شهری‌شدن، صنعتی شدن، دموکراتیک شدن و ظهور رویکرد تجربی–تحلیلی نسبت به دانش، برمی‌گردد، در جامعه‌ی ارتباطی امروزی چندان متصور نیست. جامعه‌ی روستایی–شهری و صنعتی–غیر صنعتی چنان به هم پیچیده شده‌اند که نوخواهی در هر کدام، به انتظار گذر از فرایندهای سنتی نمی‌ماند و می‌تواند هم‌زمان با آن، وجود داشته باشد.

تعریفی که برمن از مدرن‌گرایی و نوخواهی می‌دهد، شاید با موقعیت گفتمانی این مطالعه، بیش‌تر تطابق داشته باشد. مارشال برمن می‌گوید: "امروز وجه خاصی از تجربه‌ی حیاتی، تجربه‌ی زمان و مکان، خود و دیگران، تجربه‌ی امکانات و خطرات زندگی، وجود دارد که مردان و زنان سراسر جهان در آن شریک هستند. برای ما مدرن بودن یعنی تعلق داشتن به محیطی که ماجرا، قدرت، شادی، رشد و دگرگونی خود وجهان را به ما وعده می‌دهد و در عین حال، ما را با تهدید نابودی و تخریب آن چه داریم، آن چه می‌دانیم و آن چه هستیم روبه‌رو می‌کند. محیط‌ها، تجارب مدرن، تمامی مرزهای جغرافیایی و قومی، طبقاتی و ملی، دینی و ایدئولوژیکی را در می‌نورد و در این معنا، می‌توان گفت که مدرنیته کل نوع بشر را وحدت می‌بخشد؛ اما وحدتی معماوار و تناقض‌آمیز، وحدتی مبتنی بر تفرقه که او این شرایط را به گرداب تشبیه می‌کند." چنین تشبیهی نگرش منفی او را به مدرنیته می‌رسـاند؛ اما سیالیت و شـمول بالای نوگـرایی در این نگاه، با یافته‌های موقعیتی در این پژوهش، نزدیکی قابل تأملی دارد. البته با ملاحظاتی که میزان درگیری هر کدام از اعضای دو نسل را با مفهـوم نوگرایی، متفـاوت می‌کند. به طور نمـونه یکی از مصاحبه‌شوندگان گروه زنان جوان نقل می‌کند:

"مادربزرگم ، به قول خودش از این گوشی انگشتیا گرفته، می‌گه نباید از شما کم بیارم. از منم می‌خواد که بهش یاد بدم. من خیلی حال می‌کنم که این قدر اعتماد به نفس و امید داره."

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

چنین گفتاری خود گویای میل به نوگرایی در معنای گسترش یافته برمنی است. اما همان گونه که او می‌گوید که وحدت همراه با تفرقه‌ای در دل آن نهفته است. همین نسل کهن‌سال علاقه‌مند به استفاده از تکنولوژی جدید، در جای خود هراس معناداری را نیز از توسعه‌ی شبکه‌های اجتماعی و ارتباطی بیان می‌کند و هم‌چنان از تهدید روابط سنتی، بیم دارد. آن جا که می‌گوید:

"این موبایلا، شده بلای جون. معلوم نیست که بچه‌ها دنبال چی می‌گردن؟ به جای این که با هم حرف بزنن، خونه خاله و عمه برن، همش تو گوشی هستن."

زیگمون بامن[1]، در بهترین وجه، عصری را تعریف می‌کند که ویژگی شاخص آن تحولات دائمی است؛ اما عصری آگاه از این ویژگی شاخص خود، عصری که اشکال حقوقی خود، آفرینش‌های مادی و معنوی خود، دانش و اعتقادات خود را به مثابه‌ی جریاناتی سیال، گذرا، متغیر و غیر قطعی تلقی می‌کند. جریاناتی که صرفاً باید تا اطلاعیه‌ی بعدی به آن‌ها باور داشت و عمل - کرد و در نهایت ارزش و اعتبار خود را از دست داده و جای خود را به جریانات جدید و بهتر می‌سپارند(نوذری،۲۷:۱۳۹۱). نهادهای انسانی فرایندهای خودساخته، خودآفریده وتابع پیش‌رفت و بهبود تلقی می‌شوند و تنها در صورتی می‌توان آن‌ها را حفظ کرد که خود را در مواجهه با خواسته-های دقیق و سخت‌گیرانه‌ی عقل، وفق داد و توجیه نمایند. جای‌گزینی طرح‌های جدید به جای طرح‌های قدیمی و کهنه را می‌توان حرکتی مترقی و پیش‌روانه دانست(همان:۲۸).

سنت پیشگی[2]

سنت و مدرنیسم، تقابلی درازدامن دارند. پیتر آزبورن[3]، مدرنیته را نقطه‌ی مقابل گذشته‌گرایی، کهنه‌پرستی، رکود، عقب‌افتادگی، قدیمی‌بودن و عدم توسعه قرار داده است(نوذری،۶۵:۱۳۹۱). در دنیای معاصر، زنان درگیر بحثی طولانی و دائمی میان آن چه از والدین خود دریافت کرده‌اند و آن چه به واسطه‌ی موقعیت‌های شغلی‌شان، درک کرده‌اند، هستند؛ همان بحثی که میان سنت‌گرایان و فمنیست‌ها نیز جریان دارد. سنت‌گرایان، نقش زنان را همان نقش‌های جنسیتی اولیه با محوریت نقش‌های خانگی و حمایتی می‌دانند و مردان را نان‌آور خانواده، در حالی که فمنیست‌ها خواهان

[1] Zygmunt Bauman
[2] traditionalism
[3] Peter Osborn

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

تقسیم نقش‌های خانواده بر اساس معیارهای فراجنسیتی هستند و معتقداند که نقش‌های خانگی و نان‌آوری، باید بر اساس فرصت‌های برابر به اشتراک گذاشته شود(تانن و دیگران،۱۳۱:۲۰۰۷)[1].

در این پژوهش، نسبت میان دو مفهوم سنت و مدرنیته، در روابط میان دو نسل زنان کهن‌سال و جوان به روشنی دیده می‌شود. نسل زنان کهن‌سال، حسرتی پنهان، نسبت به پدیده های نوظهور در زندگی فردی و اجتماعی دارند که یا فرصت و یا امکان تجربه‌ی آن را در زندگی خود نداشته-اند. حسرت‌هایی که در برخی حوزه‌ها چشم‌گیرتر هستند و تمایل به تغییر الگوهای سنتی را در آن‌ها نشان می‌دهد. ازدواج، تجربه‌ی عشق، اشتغال و حضور در فعالیت‌های اجتماعی از جمله‌ی آن‌هاست. در یک نمونه زن کهن‌سالی این گونه از حسرت‌های خود می‌گوید: "در محله‌ی ما پسری بود که خیلی مورد توجه بود. به اون یه نوع حس عجیبی داشتم. اما نمی‌دونستم چه حسی؟ چندبار حتی تا سر زبونم اومد که در موردش با خواهرم حرف بزنم اما نتونستم. بعد هم پسرعموم اومد خواستگاری. پدرم هم گفت وقتی فامیل اومده خواستگاری، باید جواب مثبت بدم. چون عیب و ایرادی هم نداره و منم قبول کردم. الان ناراضی نیستم از زندگیم ولی این که بگم عشق رو تجربه کردم نمیدونم والا."

چنین فردی وقتی از ازدواج دختران جوان امروز در خانواده‌ی خود حرف می‌زند، به این نکته اشاره می‌کند که چقدر عشق و علاقه در انتخاب آن‌ها سهیم است و برای نسل او حسرت بوده است.

پیش‌رو بودن[2]

امروزه موج مدرن‌گرایی که سبب معرفی و طرح مفاهیمی چون آموزش برای همه، رسانه‌های ارتباطی جدید و فضای مجازی، رشد آگاهی‌های عمومی و مفاهیمی از این دست، دایره‌ی ارتباطات اجتماعی نسل جدید را توسعه داده است(محمدی،۱۳۸۸:۱٤٦). از طرفی دیگر، ساحت زندگی زنان از گذشته تا حال دست‌خوش تغییرات گسترده‌ای شده است. این تغییرات بدون ملاحظه‌ی موقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی، به خوبی درک نمی‌شود. مایلز[3] معتقد است، اگر بپذیریم که جوانان در خلاء زندگی نمی‌کنند و در رابطه با زمینه‌ی فرهنگی و اجتماعی روزمره‌ی

[1] Gordon.Kendall. Tannen ,
[2] forerun
[3] Miles

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

خود تغییر می‌کنند، پس باید شرایط فرهنگی و اجتماعی تسهیل‌کننده‌ی چنین تغییرات را نیز در نظر بگیریم. چه چیزی در این جهان به ظاهر متغیر وجود دارد که فراهم‌آورنده‌ی پیش‌شرایطی است که در آن سبک زندگی جوانان چنین تغییرات عظیمی کرده است؟(مایلز،۱۳۹۳:۷۹) بی‌شک در تغییر زندگی جوانان به‌ویژه زنان جوان که در معرض اطلاعات گسترده‌ای قرار دارند و منابع رسانه‌ای در اختیار آن‌ها، دست‌رسی به حوزه‌های مختلف آگاهی را برایشان ممکن ساخته است، وضعیت اجتماعی و فرهنگی ، نقش برجسته‌ای دارد. همین امر باعث می‌شود که تمایل به پیش-رفت و ایجاد تغییر در آن‌ها شتاب گیرد و با جسارت بیش‌تری دنبال شود. یکی از جنبه‌های بارز چنین تغییری در میل به گذران فراغت و ضروت آن در میان زنان جوان است. نکته‌ای که شاید چندان در نسل زنان کهن‌سال ضروری نباشد؛ از آن جهت که شیوه‌ی زندگی دو نسل متفاوت است و اشتغال به کار و تحصیل در میان جوانان بیش‌تر شده و در نتیجه مسأله‌ی فراغت، به عنوان یک امر اجتماعی مورد نظر آنان است. نمونه‌ی چنین باوری را در بیان یکی از زنان جوان این گونه در می‌یابیم: "تمام هفته رو که می‌دوییم، دانش‌گاه، سر کار، هزار تا گیر وگرفتاری، یه جمعه میخوام مال خودم باشم، حال و هوام رو عوض کنم."

در تحلیل نهایی از روابط نسل زنان کهن‌سال و جوان، می‌توان گفت در عین وجود تفاوت‌ها، روابط میان این دو نسل، هم‌چنان برقرار است و علی‌رغم باور برخی،گسست نسلی میان آن‌ها ایجاد نشده است. این نکته با گرایش هر دو نسل، به مقوله‌ی نوگرایی دریافت می‌شود. امری که مورد اعتراف دو نسل بوده است. خانم کهن‌سالی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: "این که نوه‌ی من می‌تونه راحت هر جایی بره و نیاز به پدر یا مادرش نداشته باشه برای سفر، تفریح و یا هر کار که می‌خواد بکنه، خوبه، از استقلالش خوشم میاد. مثل ما خوب بود که تا سر کوچه هم نمی‌تونستیم بریم." این کلمات ساده که در میان گفت‌وگوها کم هم نبودند، به خوبی گویای طبیعی دانستن و البته بدیهی شمردن تغییرات است که دو نسل را به هم نزدیک‌تر می‌کند و تعاملات بین نسلی را زنده نگه می‌دارد.

در جمع‌بندی تحلیل‌ها، نکات زیر قابل برداشت است.

خانواده‌ی ایرانی در الگوی این پژوهش در مسیر هم‌گرایی و توافق قرار دارد و روابط نسل جوان وکهن‌سال از طریق نقطه‌ی اشتراک نوگرایی به هم مرتبط هستند. در عین وجود تفاوت‌های بارز در کم و کیف نوگرایی نسل زنان کهن‌سال و جوان، روابط نسلی منقطع نشده و هم‌چنان با گسست، فاصله دارد. مخرج مشترک دو نسل زنان کهن‌سال و جوان، میل به تغییرات در صور

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مادی و معنوی زندگی است. با این توجه که نسل جوان سعادت‌مندی مبتنی بر آینده‌ی مشهود و ملموس را در سر دارد. نسل سال‌خوردگان، بیش‌تر میل به سعادت‌مندی را با سنت ارزیابی می‌کند. یافته‌های خرد دامنه‌ی این پژوهش مدعایی در تعمیم این یافته‌ها به کل جامعه ندارد و البته می-تواند تصویری عمیق‌تر از تجارب دو نسل زنان کهن‌سال و جوان ارائه دهد و در پژوهش‌های کلان دامنه، قابلیت تعمیم آن، پیگیری شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

منابع

۱. ادواردز، روزالین و جین ریبنز مک کارتی (۱۳۹۰) **مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده**، ترجمه‌ی محمد مهدی لبیبی، تهران: علم.

۲. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۲) **جامعه‌شناسی خانواده‌ی ایرانی**، چاپ چهارم، تهران: سمت.

۳. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸٦) «فرایند تغییر نسلی- بررسی فراتحلیلی در ایران»، **مجله‌ی جوانان و مناسبات نسلی**، تهران، شماره‌ی اول: ٤۱-٦۸

٤. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸٦) **جامعه‌شناسی خانواده‌ی ایرانی**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی سمت.

۵. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۰) **جامعه‌شناسی توسعه (اصول ونظریه‌ها)**، تهران: علم

٦. آقاجری، هاشم (۱۳۸۲) «انقطاع نسل‌ها-انسداد نسل‌ها»، **مجموعه‌ی مقالات نگاهی به پدیده‌ی گسست نسل‌ها**، تهران: پژوهشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

۷. ایار، علی؛ آزاد ارمکی، تقی و مهدی دیزجی (۱۳۹۱) «فضاهای عمومی و ابژه‌های نسلی»، **مجله‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، سال۷، شماره‌ی ۲۳: ۵۱-۷۳

۸. بهار، مهری (۱۳۸٦) «ابژه‌های دینی و هویت نسلی در ایران- با تکیه بر ابژه‌های عزاداری"، **مطالعات ملی**، سال هشتم، شماره‌ی ۱: ۸۵-۹۸

۹. ترکی، روح الله و علی احمدی شکوه (۱۳۹۷) «شکاف نسلی و عوامل تاثیرگذار در میان دانش‌آموزان آموزش‌گاه‌های زبان انگلیسی-منطقه‌ی جنوب شرق تهران»، **مجله‌ی بین‌المللی پژوهش ملل**، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ۳٤: ۱۰۵-۱۱۸

۱۰.توحیدلو، سمیه (۱۳۸۸) «**پیامدهای پیوند و گسست نسل‌ها در ایران**» کندوکاو در مسائل جوانان و مناسبات نسلی ، گردآورنده فروزنده جعفرزاده پور، تهران: پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانش‌گاهی. ۱۳٤-۱۱۹

۱۱.چیت سازقمی، محمدجواد (۱۳۸٦) «بازشناسی مفاهیم نسلی و شکاف نسلی»، **مجله‌ی جوانان و مناسبات نسلی**، تهران: شماره‌ی اول.۸۵-۱۱۲

۱۲.ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۸) «فرهنگ گذار و الزامات آن برای روابط نسلی»، **پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه**، شماره‌ی دوم: ۲۹-٤۸

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱۳.شفرز، برنهارد (۱۳۹۱) **مبانی جامعه‌شناسی جوانان**، ترجمه‌ی کرامت‌الله راسخ، چاپ هشتم، تهران: نی.

۱٤.عمادی، محمدحسین (۱۳۸۸) «گسست نسلی و گسست فرایند توسعه کشاورزی»، **کندوکاو در مسایل جوانان و مناسبات نسلی**، فروزنده جعفرزاده پور، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی: ۲۲۵-۲۵۰.

۱۵.غلامرضاکاشی، محمدجواد (۱۳۹۳) «روش‌شناسی تحلیل روایت و مطالعات فرهنگی» **(درآمدی بر روش‌شناسی مطالعات فرهنگی)**، حسین میرزایی، تهران: پژوهش‌کده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم: ٤۷۵-۵۰۷.

۱٦.فراست خواه، مقصود (۱۳۹۵) **روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه‌ی برپایه (گراندد تئوری)**، تهران: آگاه.

۱۷.مایلز، استیون (۱۳۹۳) **جامعه‌شناسی جوانان (روند تغییر در سبک زندگی جوانان)**، ترجمه‌ی نعیمه جوان و مینا قریب، تهران: جامعه‌شناسان

۱۸.محمدپور، احمد (۱۳۹۲) **روش تحقیق کیفی- ضد روش، مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی**، چاپ دوم، تهران: جامعه‌شناسان.

۱۹.محمدی، عاطفه (۱۳۸۸) «بررسی مسأله‌ی شکاف نسلی در خانواده‌های ایرانی»، **پژوهش-نامه‌ی علوم اجتماعی**، شماره‌ی ٤۵: ۱٤۱-۱۷۱

۲۰.منادی، مرتضی و فاطمه فرشی صبح خیز (۱۳۸۹) «بررسی نقش هویت مادران در شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران نوجوان شهر تهران»، **پژوهش‌های جامعه‌شناختی**، سال چهارم، شماره‌ی ٤: ۷-۳۲.

۲۱.نوذری، حسینعلی (۱۳۹۱) **مدرنیته و مدرنیسم-سیاست، فرهنگ و نظریه‌ی اجتماعی**، تهران: نقش جهان.

۲۲.نیک‌پرور، فاطمه؛ پناغی، لیلی و علی مظاهری (۱۳۹۰) «تغییر ملاک‌های ازدواج در سه نسل: ارائه‌ی یک مدل زمینه‌ای مقدماتی»، **خانواده پژوهی**، سال هفتم، شماره‌ی ۲٦: ۱۸۷-۲۰۵

23. Andrew F.Hermann **(2008) « Narratives and Sensemaking in the New Corporate University:The Socialization of First Year Communication Faculty,** tor of Philosophy Department of Communication College of Arts and Sciences University of South Florid.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

24. Bermudez-Parsai Nieri, Tanya (2014) **«Gap or overlap? Parent-child acculturation differences in mexican immigrant families**», Hispanic Journal of Behavioral Sciences, 36.4

25. Deborah Tannen. Shari Kendall. Cynthia Gordon(2007) «**family talk-Discourse and Identity in Four American Families»,** Oxford University Press, Inc., publishes works that further Oxford University's objective of excellence in research, scholarship, and education.

26. Laclau Ernesto-(1990) **«New Reflection on the Revolution of our time»** by verso-London

27. Karen R.Foster**(**2011**) «Gneration,Discourse and Social change»,** Thesis submitted to the facualty of graduate and postdoctoral affairs in partial fulfilment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Sociology, Carleton university Ottawa,Ontario

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]